



۱۰ کودتای تکان‌دهنده دنیا

در این گزارش نگاهی داریم به برخی کودتاهای جهان که شاید کسی متوجه اتفاق افتادنشان نشده، ولی توانسته‌اند موثر واقع شوند.

در این گزارش نگاهی داریم به برخی کودتاهای جهان که شاید کسی متوجه اتفاق افتادنشان نشده، ولی توانسته‌اند موثر واقع شوند.

مجله مهر - شماره داودی: کودتا برای اکثر ما یادآور خاطرات «کودتای ۲۸ مرداد» است؛ کودتا در تعریف ذهنی ما رویدادی است که گروه‌های نظامی و سیاسی برای براندازی حکومت وقت انجام می‌دهند. البته در علوم سیاسی از کودتا اینچنین یاد می‌شود: «شگردی سیاسی که ائتلاف سیاسی غیرقانونی برای براندازی رهبران حکومت موجود از طریق خشونت یا تهدید انجام می‌شود».

بیشتر کودتاهای جهان با خشونت همراه بوده‌اند و معمولاً برنامه‌ریزی آن‌ها به شکلی بوده است تا در نهایت شخصیت‌های سیاسی را اعدام کنند؛ کودتا با اینکه در یک روز اتفاق می‌افتد، اما به ماه‌ها و گاهی سال‌ها برنامه‌ریزی نیاز دارد. کودتاهای موفق آن‌هایی بوده‌اند که با عملیات‌های چند جانبه مخفی و با استفاده از تبلیغات رسانه‌ای و روانی توانسته‌اند تغییر رژیم داشته باشند و ارتش را به خدمت خود در بیاورند. در این گزارش نگاهی داریم به ۱۰ کودتای تاریخ که تاثیر شگرفی در شرایط جامعه‌ها داشته‌اند.

کودتای استوار

در سال ۱۹۸۰ مردم کشور کوچک سورینام در امریکای جنوبی متوجه شدند که حکومت‌شان در یک کودتای نظامی سرنگون شده است. «دسی بوترز» رهبری این کودتا را برعهده داشت و توانست این کار را با تنها ۱۶ مرد دیگر انجام دهد که از همین رو به کودتای استوار معروف شدند.

در روز کودتا این مردان به ایستگاه پلیس سورینام حمله کردند و نخست وزیر را به زندان انداختند، بعد از آن به سرعت حکومت نظامی اعلام شد و تغییر رژیم هم اتفاق افتاد.

در سال ۱۹۸۲ بوترز در مراسم اعدام کسانی که با حکومت نظامی مخالف بودند، شرکت کرد. در این مراسم که به عنوان قتل دسامبر از آن یاد می‌شود، ۱۵ نفر شامل خبرنگاران و وکلا اعدام شدند. موضوع تکان‌دهنده بیشتر از این جهت بود که بوترز با وجود اینکه متهم به قتل بود، در سال ۲۰۱۰ توانست رئیس جمهور شود و برای اینکه از محاکمه خودش در دادگاه جلوگیری کند، قانون تازه‌ای را به قانون کشور اضافه کرد تا خودش را تبرئه کند. بوترز همچنان بر سورینام حکومت می‌کند.

کودتای بدون خون‌ریزی برمه

با اینکه بسیاری از کودتاهای دنیا به افراد سیاسی برمی‌گردد و این کار را هم با استفاده از راه‌های نظامی انجام می‌دهند، اما در تاریخ کودتاهای نظامی را هم می‌توان یافت که بدون خون‌ریزی بوده‌اند. کودتای سال ۱۹۶۲ در برمه یکی از این کودتاهای بدون خون‌ریزی بوده که اجرای آن را تنها پسر ژنرال ساو عهدده داشته است.

صبح روز دوم مارس ۱۹۶۲ ژنرال نویین توانست کودتایی را رهبری کند که طی آن دولت ضد فاشیستی برمه کنار گذاشته شود و البته این اتفاق با کمترین میزان خشونت رخ می‌دهد. در این باره روایت‌های مختلفی هم وجود دارد؛ برخی می‌گویند این کودتا با هماهنگی نظامی‌ها و در دست داشتن قدرت فرماندهان و ژنرال‌ها اتفاق افتاده، روایت دیگر می‌گوید نویین توانسته بدون هیچ فشاری قدرت را در دست بگیرد. در نهایت نتیجه این بوده که دولت نظامی برمه در مقابل چشمان مردم از ثبات سیاسی می‌افتد. البته در این میان برخی می‌گویند این کودتا با اینکه حکومت فاسدی را برکنار کرده، اما باعث روی کار آمدن شبه‌نظامیان فاسد شده ولی این موضوع باعث نمی‌شود موفقیت کودتا را نادیده بگیریم.

کودتای بکر صدقی

۲۹ اکتبر ۱۹۳۶ علاوه بر اینکه نخستین کودتای عراق شکل گرفت، بلکه در میان کشورهای عربی نیز اولین بود. این کودتا به رهبری ژنرال بکر صدقی بود که باعث سرنگونی نخست وزیر وقت-یاسین الهاشمی شد و حکومت حکمت سلیمان جای آن را گرفت. مهم‌ترین نکته در این کودتا این بود که صدقی خودش قدرت را در دست گرفت و به عنوان فرمانده نیروهای مسلح مشغول به فعالیت شد.

در زمان کودتا یاسین الهاشمی خارج از شهر بود و بکر صدقی با در دست گرفتن کنترل ارتش توانست به راحتی و با مقاومت کم کودتا را پیش ببرد. داستان از جایی شروع شد که ۱۱ هواپیمای نظامی کاغذهای سیاسی کشوری را در بغداد روی سر مردم ریختند. کاغذهایی که اطلاعاتی درباره نخست وزیر و نامه استعفای او را که خود صدقی آن‌ها را امضا کرده بود، داشتند. وزیر دفاع برای مقابله با این موضوع به بغداد برمی‌گشت که صدقی دو مرد را برای ترور او و هاشمی فرستاد. صدقی در بغداد و همراهی ارتش توانست زمام امور را در دست بگیرد. با این حال این کودتای موفق تنها یک سال دوام داشت و سال ۱۹۳۷ صدقی ترور شد.

جنبش افسران آزاد

جنبشی که منجر به انقلاب سال ۱۹۵۲ در مصر و میان ناآرامی‌های سیاسی شد. از سال ۱۸۸۲ که انگلستان، مصر را اشغال کرده بود، اصلاً جای تعجب نیست که گروه‌های مخالف با این نیروهای حاکم رشد داشته باشند. در اواخر سال ۱۹۵۱ گروه مقاومت مصر برنامه‌هایی مبنی بر حمله به مراکز حمل و نقل و ادارات انگلیسی ریخت. پلیس مصر به جای دستگیری این شورشیان از آن‌ها حمایت می‌کند و در جواب هم این بریتانیایی‌ها بودند که به ایستگاه‌های پلیس حمله مصر کردند، این اتفاق‌ها سرآغاز شورشی عظیم بود که نشان می‌داد مصر برای تغییر آماده شده است. گروهی که نام خودشان را افسران آزاد گذاشته بودند و رهبری‌شان بر عهده محمد نجیب و هابیل ناصر بود، با حمایت اخوان المسلمین و جنبش دموکراتیک کمونیستی برای کودتا طرح‌ریزی کردند و برنامه از جایی آغاز می‌شود که افسران آزاد کودتا را با دستگیری مردانی از ملک فاروق شروع و بعد به سمت پایتخت پرواز می‌کنند. صبح روز بعد در رادیو اعلام می‌کنند که انقلاب شده و این موضوع باعث کناره‌گیری ملک فاروق می‌شود و پس از این اتفاق محمد نجیب به عنوان اولین رئیس‌جمهور مصر رسماً برگزیده می‌شود.

انقلاب آزادی‌خواهی

بر خلاف بسیاری از کودتاهای نظامی که در مدت چند روز به نتیجه می‌رسیدند، این کودتا در آرژانتین یک ماهی طول می‌کشد. اگر خوان پرون در سال ۱۹۵۲ به عنوان رئیس‌جمهور برگزیده شد، به دلیل این بود که حمایت‌های زیادی را در سراسر کشور و زمان مشکلات اقتصادی به دست آورده بود.

انقلابیون در ۱۶ ژوئن ۱۹۵۵ سی‌هواپیما از ارتش و نیروی دریایی را بمباران کردند، در آن شب حامیان پرون چندین کلیسا را به آتش کشیدند و حکومت در همان شب و میان آشوب بسیار سقوط کرد.

در ۱۹ سپتامبر شهرستان مادرل پلاتا نیز بمباران شد و رئیس‌جمهور پرون از ترس جنگ همه‌جانبه داخلی از کشور فرار می‌کند و لوناردو که رهبری کودتا را بر عهده دارد خودش را به عنوان رئیس‌دولت معرفی می‌کند، اما این موضوع خیلی طول نمی‌کشد و پدرو آرامبورا به شکل رسمی رئیس‌جمهور آرژانتین می‌شود.

قیام ووچانگ

به دام انداختن دشمن در زمین خودشان بهترین کلید هر کودتای موفق است، اما چه اتفاقی می‌افتد که حتی خود انقلابیون نیز غافلگیر شوند؟ در ۱۰ اکتبر ۱۹۱۱ دقیقاً چنین اتفاقی برای گروهی از انقلابیون در چین افتاد، منفجر شدن بمبی به شکل تصادفی باعث شد آن‌ها کودتا را در همان روز آغاز کنند.

با کمک ارتش چین جدید، توانستند شهر ووچانگ را در کمتر از یک روز بگیرند. در کمال تعجب سلسله چینگ واکنش زیادی به این شورش نشان نداد و در نتیجه این انقلابیون بودند که توانستند همه چیز را در دست بگیرند. ۱۵ منطقه دیگر نیز به طور مستقل با انقلابیون دیدار کردند و پایه تازه‌ای از چین را بنا گذاشتند که در آن توانستند به دو هزار سال حکومت شاهنشاهی در سراسر کشور پایان دهند.

انقلاب ثور

افغانستان در طول دهه ۱۹۷۰ کشوری با مشکلات زیاد سیاسی بود. در سال ۱۹۷۳ محمد داود خان رهبری کودتای علیه شاه را بر عهده داشت و خودش اولین رئیس‌جمهور افغانستان شد. پس از سرنگونی سلطنت، با اینکه فعالیت‌های داود زیاد بود، اما حزب دموکراتیک خلق نیز ایده‌هایی را برای کشور داشت و در این میان داود به دلیل اینکه از جانب این حزب احساس خطر می‌کرد، برخی از رهبران آن‌ها را دستگیر کرد، اما انقلاب ثور از جایی به وجود آمد که حفیظ‌الله امین، یکی از همین رهبران در بازداشت خانگی ماند و با برنامه‌ریزی‌ها و رساندن دستوراتی به مقامات نظامی از طریق خانواده‌اش توانست توجه ارتش و نیروی هوایی را جلب کند.

در ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ اتحاد جماهیر شوروی با جنگنده‌های خود به کاخ ملی حمله کرد و این حملات را تا شب ادامه داد، صبح روز بعد سربازان کاخ را محاصره کردند و داود هم دستور تسلیم داد. با این حال داود را به ضرب گلوله از پای در آوردند و سال ۲۰۰۸ بود که جسد او ۲۷ نفر از اعضای خانواده‌اش که شامل همسر و فرزندان‌ش می‌شد را در یک گور دسته جمعی پیدا کردند.

شب چاقوهای بلند

در سال ۱۹۳۴ آدولف هیتلر کودتای موفقیت آمیزی را علیه مردم خودش به راه انداخت که از آن به عنوان «عملیات پاکسازی خون» نام می‌برد. با این حال در تاریخ از آن با نام «شب چاقوهای بلند» یاد می‌کنند و آن را یکی از فریبنده‌ترین کودتاهای دنیا می‌دانند.

بعد از اینکه در سال ۱۹۳۳ هیتلر در آلمان به قدرت می‌رسد، نیروی پلیس نازی که تا مدت‌ها به این نام خوانده می‌شدند، علاقه داشتند به عنوان ارتش ملی آلمان شناخته شوند، اما هیتلر برنامه‌های دیگری داشت و در یکی از سخنرانی‌های خود، آن‌ها را درمانی برای دیپلمات‌های خارجی خودش دانست.

۶ صبح روز ۳۰ ژوئن ۱۹۳۴ هیتلر با چند مرد به هالی در مونیخ می‌رود و با دستگیری افسران رده بالای پلیس نازی این گروه را از بین می‌برد. تا ساعت ۱۰ همان روز بسیاری از افراد این سازمان جمع شده بودند و به زندان برده شدند. تا سه روز بعد بیشتر این افراد در سلول‌های خودشان با هفت‌تیر خود کشی کردند و تمامی شواهد نیز از بین برده شد. همچنین اعلام مرگ این افراد ممنوع اعلام گردید، از همین رو تعداد دقیقی از کشته‌شدگان آن شب در دست نیست و برخی معتقدند تا ۱۰۰۰ نفر به قتل رسیدند.

۱۱ سپتامبر دیگر

در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ فرمانده ارتش شیلی، ژنرال آگوستو پینوشه، کودتای خود علیه رئیس جمهور مارکسیستی سالوادور آلنده را آغاز کرد. همه چیز از صبحی شروع شد که پینوشه در رادیو اعلام کرد که آلنده باید تمامی اختیارات پلیس را به ارتش منتقل کند. آلنده به جای این کار سخنرانی درباره آزادی شیلی سر داد و همراه با خانواده‌اش در کاخ ریاست جمهوری برای حملات احتمالی آماده شد. در کاخ، آلنده خود را با مسلسل‌هایی که از فیدل کاسترو هدیه گرفته بود، آماده کرد و منتظر ماند، ساعت ۹:۳۰ صبح جنگ با ورود تانک‌ها در گرفت.

رئیس جمهور به همراه جمعی از مردانی که هنوز به او وفادار بودند، به تانک‌ها شلیک می‌کردند و برای اینکه بتوانند تانک‌ها را سردرگم کنند، از پنجره‌ای به پنجره دیگر می‌رفتند. ژنرال پینوشه، آلنده را تهدید کرد که به کاخ حمله می‌کند، اما آلنده همچنان مقاومت می‌کرد و در عوض از زنان و کودکان خواست که کاخ را تا زمانی که او و مردان تا دم مرگ ایستادگی می‌کنند، ترک کنند. در همین شرایط ۱۸ راکت به سمت کاخ شلیک شد و آلنده مسلسل را به سمت خودش گرفت تا نتوانند او را دستگیر کنند. بعد از ظهر همان روز همه چیز در شیلی تحت سلطه ژنرال پینوشه بود.

عملیات PBSUCCESS

از کودتای ۱۹۵۴ در گواتمالا تنها یک عملیات مخفی توسط سیا تایید شده که آن را رئیس جمهور آیزنهاور رهبری کرده بود و هدف از انجام آن سرنگونی رهبر منتخب جیکوب آربنز بوده است.

یک سال پیش از این آربنز هزاران هکتار زمین که متعلق به شرکت‌های میوه امریکایی بود را مصادره کرده و این کار خشم امریکایی را برانگیخته بود. در ماه آگوست ۱۹۵۳ سازمان سیا برنامه‌ریزی‌های برای کودتا و بی‌ثبات کردن کشور را آغاز کرد، عملیاتی که از آن با نام PBSUCCESS یاد می‌کنند. برنامه از این قرار بود که امریکا از شورشیان در گواتمالا حمایت کند، بدون اینکه کسی متوجه حضور آن‌ها شود.

نیروهای شورشی در گواتمالا تحت رهبری کارلوس کاستیلو بودند و توسط یک افسر سیا آموزش دیده بود. جنگ روانی سیا و استفاده از برنامه‌های تلویزیون و رادیو از دیگر راه‌هایی بود که آن‌ها برای براندازی حکومت در پیش گرفتند.

در روز حمله با اینکه عملاً کودتا شکست خورده به نظر می‌رسید، اما شورشیان خود را پیروز میدان معرفی کردند، در این میان امریکا دو بمب دودزای بی‌خطر را به گواتمالا فرستاد و آن‌ها هم این بمب‌ها را منفجر کردند و این اتفاق توهم پیروزی شورشیان را بیش از پیش کرد. به همین دلیل آربنز استعفا داد و ۱۰ روز بعد کارلوس کاسیلو آرماس سوگند تازه‌ای برای ریاست جمهوری خورد و پس از آن بود که سازمان سیا از عنوان PBSUCCESS برای تغییراتی که می‌خواست در رژیم‌ها داشته باشد را به کار برد.